

دوست دارند ، پیشنهاد ما را غیر لازم تلقی نخواهند کرد . ما اعتقاد راسخ داریم که این پیشنهاد پاسخگوی ضرورت عینی است .

در لحظه کنونی که مسئله بودن یا نبودن ملت ما مطرح است ، بگذار گومیندان و حزب کمونیست باهم فشرده متحد شوند ! بگذار هموطنانی که نمیخواهند بردگانی بدون میهن باشند ، بر اساس وحدت گومیندان و حزب کمونیست باهم فشرده متحد شوند ! عملی ساختن کلیه تحولات لازم بمنظور کسب پیروزی بر کلیه دشواریها ، اینست وظیفه مبرم انقلاب چین در امروز . اگر ما این وظیفه را از پیش برداریم ، بدون تردید خواهیم توانست امپریالیسم ژاپن را در هم بشکنیم . بکوشیم و آینده تابناک در برابر ما گشوده خواهد شد .

### یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به « وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاومت علیه ژاپن » ، یادداشت ۲ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۲ - مراجعه شود به « وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاومت علیه ژاپن » ، یادداشت ۳ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۳ - مراجعه شود به « وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاومت علیه ژاپن » ، یادداشت ۴ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۴ - مراجعه شود به « اعلامیه درباره اعلامیه چانگکایشک » ، یادداشت ۷ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۵ - مراجعه شود به « وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاومت علیه ژاپن » ، یادداشت ۶ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۶ - مراجعه شود به « وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاومت علیه

- ژاپن « ، یادداشت ۷ ، « منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد اول .
- ۷ - « قرارداد عدم تجاوز میان جمهوری چین و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی » در ۲۱ اوت ۱۹۳۷ منعقد شد .
- ۸ - مراجعه شود به « در راه بسیج همه نیروها بخاطر پیروزی در جنگ مقاومت » .
- ۹ - جو چینگ لای یکی از سرکرده‌های « حزب ناسیونال سوسیالیست » ( گروه کوچکی که بوسیله مالکان ارضی ، بوروکراتها و بورژوازی بزرگ مرتجع تشکیل شد ) بود که بعداً عضو دولت خائن وان جین وی شد .

www.KetabFarsi.com



# مصاحبه با خبرنگار انگلیسی ، جمس برترام

( ۲۵ اکتبر ۱۹۳۷ )

## حزب کمونیست چین و جنگ مقاومت ضد ژاپنی

سوال جمس برترام : بطور مشخص، حزب کمونیست چین قبل و بعد از آغاز جنگ چین و ژاپن چگونه موضع خویش را بیان داشت ؟

جواب مائوتسه دون : حزب کمونیست چین پیش از آغاز این جنگ بارها بمراسر کشور هشدارهاش داد که جنگ با ژاپن ناگزیر است و همه گفتگوهای امپریالیستهای ژاپنی درباره باصطلاح "حل و فسخ مسالمت‌آمیز" ، همه عبارات زیبای دیپلماتهای ژاپنی ، چیز دیگری نیست جز پرده دودی که تدارك ژاپن را برای جنگ میپوشاند . ما مکرراً توصیه دادیم که فقط در شرایط تقویت جبهه متحد و اجرای سیاست انقلابی میتوان جنگ آزادیبخش ملی را پیروزمندانه به پیش برد . مهمترین نقطه از این سیاست انقلابی عبارت از آنست که دولت چین حتماً تحولات دموکراتیک را عملی گرداند تا توده‌های مردم برای شرکت در جبهه ضد ژاپنی بسیج شوند . ما

اشتباهات کسانی را که به "ضمانت‌های صلح" از طرف ژاپن باور داشتند و اجتناب از جنگ را ممکن می‌شمردند و همچنین اشتباهات کسانی را که می‌پنداشتند بدون بسیج توده‌های مردم نیز میتوان در برابر تجاوزکاران ژاپنی ایستادگی کرد، بارها متذکر شدیم. وقوع جنگ و جریان آن صحت این نظریات ما را ثابت کرد. حزب کمونیست چین در همان فردای وقوع حادثه لوگوچیاو اعلامیه‌ای انتشار داد و در آن از همه احزاب، همه گروه‌ها و همه قشرهای اهالی کشور دعوت کرد که يك دل و يك جان در برابر تهاجم تجاوزکاران ژاپنی ایستادگی کنند و بتقویت جبهه متحد ملی بپردازند. کمی پس از آن ما «برنامه ده ماده‌ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن» را منتشر ساختیم. در این برنامه آن سیاستی را که دولت چین باید در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی در پیش گیرد عرضه داشتیم. در موقعی که بین گومیندان و حزب کمونیست همکاری برقرار شد، باز مانیفست مهم دیگری انتشار دادیم. همه اینها گواه بر آنست که ما با استواری و پیگیری از رهنمود تقویت جبهه متحد و اجرای سیاست انقلابی بخاطر جنگ مقاومت ضد ژاپنی پیروی میکنیم. در دوره کنونی شعار اصلی ما اینست: "جنگ مقاومت همگانی و همه ملت".

### وضعیت جنگ مقاومت ضد ژاپنی و درسهای آن

سؤال: بعقیده شما تا امروز چه نتایجی از جنگ حاصل شده است؟  
 جواب: دو جنبه عمده هست. از يك سو امپریالیستهای ژاپنی از طریق اشغال شهرها، تسخیر اراضی، هتک ناموس زنان، غارت، آتش‌سوزی و کشتار جمعی، خلق چین را قطعاً در معرض خطر انقیاد قرار داده است.

از سوی دیگر اکثریت عظیم خلق چین در نتیجه همه اینها عمیقاً دریافته است که بدون وحدت بیشتر ، بدون برانگیختن جنگ مقاومت همه خلق نمیتوان بر بحران غلبه کرد . در عین حال بتدریج آگاهی بر این ضرورت که باید برضد تهدیدات ژاپن بمبارزه برخاست در نزد کلیه دولت‌های صلح‌جوی جهان بیدار میشود . اینهاست نتایج جنگ تا امروز .

سؤال : بعقیده شما هدف‌های ژاپن چیست ؟ و تا چه اندازه به این هدف‌ها نائل شده است ؟

جواب : ژاپن در نظر دارد نخست چین شمالی و شانگهای را تسخیر کند و سپس سایر مناطق چین را . در مورد اینکه نقشه‌های تجاوزکاران ژاپنی تا چه درجه عملی شده است ، باید گفت که چون جنگ مقاومت چین تاکنون فقط به شرکت دولت و ارتش محدودند ، تجاوزکاران ژاپنی در مدتی کوتاه سه استان حه به ، چاهار و سوی یوان را بتصرف درآوردند و هم اکنون استان شان سی را تهدید میکنند . خروج از این وضع خطرناک فقط از راه جنگ مقاومت مشترک توده‌های مردم و دولت میسر خواهد بود .

سؤال : آیا عقیده دارید که معدک چین در جنگ مقاومت ضد ژاپنی موفقیتی بدست آورده است ؟ اگر سخن بر سر درسهاست ، این درسها چیست؟

جواب : میخواهم در مورد این مسئله مفصل‌تر با شما صحبت کنم . قبل از همه باید گفت موفقیت‌هایی بدست آمده که بزرگ هم هست . موفقیت‌های مذکور چنین است : ۱ - از زمان تجاوز امپریالیسم بر چین تا امروز جنگی مانند جنگ مقاومت ضد ژاپنی کنونی وجود نداشته است . این جنگ از نظر جغرافیائی واقعاً جنگ سراسری چین است . از لحاظ خصلت خود جنگ انقلابی است . ۲ - چین در اثر این جنگ از حالت تفرقه و پراکندگی بسوی وحدت نسبی گرائید . اساس این وحدت عبارتست از

همکاری گومیندان و حزب کمونیست . ۳ - جنگ ما هواداری افکار عمومی جهان را جلب کرده است . خوار شمردن چین که سابقاً در خارجه وجود داشت و از آنجا سرچشمه میگرفت که وی در برابر دشمن مقاومت نشان نمیداد ، اینک جای خود را به بزرگداشت چین داده زیرا که وی در برابر تجاوز بمقاومت برخاسته است . ۴ - جنگ به تجاوزکاران ژاپنی خسارت بسیار سنگینی وارد ساخته است . طبق اخباری که میرسد آنها روزی ۲۰ میلیون ین در این جنگ خرج میکنند ؛ تلفات نفرات آنها نیز اگرچه در این مورد هنوز ارقامی در دست نیست بدون شك زیاد است . اگر سابقاً تجاوزکاران ژاپنی تقریباً بدون هیچ گونه زحمتی و میتوان گفت بدون تکان دادن انگشت به اشغال چهار استان شمال شرقی نائل آمدند ، اینک يك وجب از خاک چین را هم بدون نبردهای خونین نمیتوانند بتصرف در آورند . تجاوزکاران ژاپنی حساب میکردند که اشتهای نهنگ آسای آنها با خوردن چین فرو خواهد نشست ، ولی در اثر مقاومت طولانی چین خود امپریالیسم ژاپن براه اضمحلال خواهد افتاد . از این لحاظ چین نه فقط برای نجات خودش جنگ مقاومت را به پیش میبرد بلکه در عین حال وظیفه خطیر خویش را در جبهه جهانی ضد فاشیست انجام میدهد . خصلت انقلابی جنگ مقاومت ضد ژاپنی در این زمینه نیز تظاهر میکند . ۵ - ما از جنگ درس‌هایی آموختیم و بهای این درس‌ها را با سرزمین خویش و خون خویش پرداختیم .

در مورد درسها باید گفت آنها نیز بسیار مهم‌اند . در عرض چند ماه جنگ مقاومت ، بسیاری از نقاط ضعف چین آشکار گردید . و این نقاط ضعف قبل از هر چیز در زمینه سیاسی نمایان شده است . اگرچه جنگ از لحاظ جغرافیائی بصورت جنگ سراسر چین در آمده است ، از لحاظ ترکیب نیروهائی که بآن مشغول‌اند هنوز سراسر چین را دربر نمیگیرد . دولت با تدابیر

محدود کننده خود کما فی السابق به توده های وسیع خلق امکان نمیدهد که برای شرکت در جنگ پیا خیزند ، و از اینجهت جنگ تا کنون هنوز بصورت جنگ توده ها در نیامده است . جنگ ضد تجاوز امپریالیسم ژاپن هرگز ممکن نیست بدون شرکت توده ها به پیروزی بینجامد . برخی میگویند : "جنگ هم اکنون خصلت همگانی دارد" . این فقط بیان معنی صحیح است که جنگ قسمت اعظم سرزمین چین را در بر میگیرد . اما از لحاظ ترکیب نیروهائی که بجهت مشغول اند این جنگ هنوز يك جانبه است زیرا که هنوز فقط جنگ مقاومت دولت و ارتش است نه جنگ مقاومت توده های . علت عمده از دست رفتن سرزمین وسیع و ناکامی های جنگی بسیار در عرض چند ماه اخیر همین است . باین دلیل اگرچه جنگ کنونی مقاومت جنگی انقلابی است ، ولی هنوز کاملاً خصلت انقلابی نیافته است زیرا که هنوز جنگ توده ها نیست . در اینجا يك مسئله وحدت نیز مطرح است . اگرچه احزاب و گروه ها در کشور ما امروز بیشتر از سابق متحدند ولی هنوز بهیچوجه به درجه لازم اتحاد نرسیده اند . اکثریت عظیم زندانیان سیاسی تا امروز آزاد نشده اند و ممنوعیت احزاب سیاسی هنوز کاملاً لغو نشده است . مناسبات میان دولت و خلق ، ارتش و خلق ، افسران و سربازان مانند سابق بسیار بد است ، بین آنها نفاق هست نه وحدت . و این عمده ترین مسئله است . بدون حل این مسئله از پیروزی در جنگ سخن نمیتوان گفت . بعلاوه علت مهم دیگر از دست دادن نیروها و سرزمین عبارتست از اشتباهات نظامی . ارتش چین در اکثر نبردها به پاسیویته افتاده و به عملیاتی پرداخت که در اصطلاح نظامی "دفاع محض" نامیده میشود . با چنین جنگیدنی پیروزی بدست نمیآید . برای پیروز شدن باید در زمینه های سیاسی و نظامی آنچنانی سیاستی اختیار کرد که با سیاست کنونی بکلی تفاوت داشته باشد . اینهاست



درسهائی که ما گرفته‌ایم .

سؤال : در چنین صورتی چه شرایط سیاسی و نظامی را شما ضروری می‌شمارید ؟

جواب : در زمینه سیاسی باید اولاً دولت فعلی را به دولت جبهه متحد که نمایندگان خلق در آن شرکت جویند مبدل ساخت . این دولت باید دموکراتیک و در عین حال متمرکز باشد ، و باید سیاست انقلابی لازم در پیش گیرد . ثانیاً باید به خلق آزادی بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اتحادیه‌ها و آزادی مقاومت مسلح در برابر دشمن داد تا آنکه جنگ بصورت جنگ توده‌ها درآید . ثالثاً باید شرایط زندگی خلق را از این راهها بهبود بخشید : لغو عوارض و مالیات‌های کمرشکن ، تقلیل بهره‌سالکانه و نرخ سود ، تأمین بیشتر نیازمندی‌های مادی کارگران ، افسران جزو و سربازان ارتش ، عطف توجه خاص نسبت به خانواده‌های نظامیانی که علیه ژاپن می‌رزمند ، کمک به مردمی که از بلیات طبیعی صدمه دیده‌اند ، کمک به پناهندگان جنگ و غیره . سیاست مالی دولت باید بر اصل تقسیم منصفانه تعهدات مبتنی باشد یعنی بر این اصل که : هر کس پول دارد ، پول میدهد . رابعاً باید سیاست خارجی را به فعالیت درآورد . خامشاً باید سیاست فرهنگی و آموزشی را نوسازی کرد . سادماً باید خائنین بملت را بیرحمانه کوبید . اکنون این مسئله فوق‌العاده حدت یافته‌است . خائنین بملت یکنی بندها را پاره کرده‌اند ؛ در جبهه بدشمن یاری می‌رسانند و در پشت جبهه گستاخانه اخلاص میکنند . حتی اتفاق می‌افتد که خائنین بملت نقاب ضد ژاپنی بر چهره می‌زنند و میهن پرستان را به اتهام خیانت بمیهن دستگیر می‌سازند . اما سرکوب خائنین بملت فقط آنگاه بوجه شایسته میسر میشود که خلق برپا خیزد و با دولت همکاری کند . در زمینه نظامی نیز باید به نوسازی همه‌جانبه پرداخت و قبل از هر چیز

باید در عرصه استراتژی و تاکتیک رهنمود دفاع محض را به رهنمود تعرض فعالانه بر دشمن مبدل ساخت ؛ باید سیستم نوینی بجای سیستم کهن در ارتش نشانید ؛ باید بجای سربازگیری اجباری به تبلیغ در میان توده‌ها دست زد و از آنها دعوت کرد که بجهت بروند ؛ باید فرماندهی پراکنده را به فرماندهی واحد مبدل ساخت ؛ باید به بی‌انضباطی ارتش که باعث جدائی از خلق میشود پایان داد و انضباط آگاهانه‌ای برقرار کرد که به کمترین زیان بمنافع اهالی امکان ندهد ؛ باید بجای آنکه فقط ارتش منظم بعملیات جنگی میپردازد بتوسعه جنگ پردامنه پارتیزانی خلق دست زد تا در انطباق با عملیات ارتش منظم وارد عمل شود و غیره . همه این شرایط سیاسی و نظامی که در بالا تشریح شد در برنامه ده ماده‌ای که ما منتشر ساخته‌ایم مطرح شده است . همه این رهنمودها با روح سه اصل خلق و سه اصل میاسی اساسی دکتر سون یاتسن و با وصیت او انطباق دارد . جنگ فقط آنگاه به پیروزی خواهد رسید که همه اینها بعمل در آید .

سؤال : حزب کمونیست برای تحقق یافتن این برنامه چه میکند ؟

جواب : کار ما در این جهت است که بوجه خستگی‌ناپذیر وضع موجود را روشن گردانیم و در اتحاد با گومیندان و سایر احزاب و گروههای میهن پرست بخاطر توسعه و تحکیم جبهه متحد ملی ضد ژاپنی ، بخاطر بسیج کلیه نیروها برای پیروزی در جنگ مقاومت مبارزه کنیم . اینک چارچوب جبهه متحد ملی ضد ژاپنی هنوز خیلی تنگ است ، باید این جبهه را توسعه داد و عبارت دیگر باید وصیت دکتر سون یاتسن را که خواستار "برانگیختن توده‌های مردم" بود عملی ساخت و قشرهای پائینی مردم کشور را برای شرکت در جبهه متحد بسیج کرد . و برای تحکیم جبهه متحد باید برنامه مشترکی را که فعالیت همه احزاب و گروهها را محدود کند بوجود آورد .

ما موافق هستیم که سه اصل خلق ، سه اصل سیاسی اساسی که آورده دکتر سون یاتسن است و انقلابی است و همچنین وصیت او بمنزله برنامه مشترک جبهه متحد همه احزاب ، گروهها و همه قشرهای اهالی پذیرفته شود . ولی این برنامه تابعال از طرف همه احزاب و گروهها پذیرفته نشده و مهمتر آنست که هنوز گومیندان چنین برنامه جامعی را نپذیرفته و اعلام نداشته است . اکنون گومیندان اصل ناسیونالیسم را که دکتر سون یاتسن آورده قسماً عملی میگرداند و این امر در مقاومتش علیه ژاپن بیان می یابد . اما اصل دموکراسی و نیز اصل رفاه خلق هنوز صورت عمل بخود نگرفته است ، و این امر موجب بحرانی جدی در جنگ مقاومت کنونی شده است . حال در چنین لحظه حساس جنگ ، موقع آن فرا رسیده است که گومیندان سه اصل خلق را کاملاً بموقع اجرا گذارد . اگر این امر بازهم بتأخیر افتد ، دیگر ندامت سودی نخواهد داشت . وظیفه حزب کمونیست آنست که با بانگ بلند و بوجهی خستگی ناپذیر این نکته را به گومیندان و به تمام خلق توضیح دهد و تلقین کند که باید سه اصل انقلابی خلق ، سه اصل سیاسی اساسی واقعاً انقلابی و همچنین وصیت دکتر سون یاتسن کاملاً و با پیگیری و در همه جا - بمقیاس سراسر کشور - بموقع اجرا گذاشته شود تا آنکه موجب توسعه و تحکیم جبهه متحد ملی ضد ژاپنی گردد .

### ارتش هشتم در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

سؤال : خواهشمندم درباره وضع ارتش هشتم که توجه بسیاری از اشخاص را بخود جلب کرده است گفتگو کنید ، مثلاً درباره استراتژی و تاکتیک آن ، کار سیاسی آن وغیره .

جواب : پس از آنکه ارتش سرخ تجدید سازمان یافت و بصورت ارتش هشتم در آمد و عازم جبهه گردید ، واقعاً توجه بسیاری از اشخاص بکاروی جلب شد. اینک من در خطوط کلی درباره آن گفتگو خواهم کرد . قبلاً به اوضاع و احوال نبردهای آن میپردازیم . مرکز عملیات جنگی ارتش هشتم از لحاظ استراتژیک عبارتست از استان شان سی . چنانکه میدانید ارتش هشتم به پیروزیهای بسیاری نائل آمده است ، مثلاً در نبرد بین سین گوان (۱) ، در بازستاندن چین بین ، بین لو و نین او ، در تسخیر لای یوان و گوان لین ، در تصرف زی چین گوان ، در قطع کردن سه تا خطوط عمده ارتباطی ارتش ژاپن - بین دا تون و بین من گوان ، وی سیان و بین سین گوان ، شوه سیان و نین او ، در حمله به پشت جبهه ارتش ژاپن در سمت جنوب بین من گوان ، در تسخیر مجدد بین سین گوان و بین من گوان و در تسخیر چیویان و تان سیان در روزهای اخیر . ارتشهای ژاپن که وارد شان سی شدهاند اینک در محاصره استراتژیک ارتش هشتم و سایر ارتشهای چین اند . میتوان با اطمینان گفت که ارتش ژاپن در چین شمالی از این بعد با راسخترین مقاومت روبرو خواهد شد . اگر سپاهیان ژاپن در استان شان سی خیال سروری دارند ، مسلماً به چنان دشواریهایی برخورد خواهند کرد که هنوز طعم آنها را نچشیدهاند .

اینک میپردازیم به مسایل استراتژی و تاکتیک . ما طوری عمل میکنیم که تاکنون هیچ ارتش چین آنطور عمل نکرده است ، یعنی بطور عمده به عملیات جنگی در جناحها و پشت جبهه دشمن میپردازیم . این شیوه جنگ با دفاع صرفاً جبههای بکلی متفاوت است . ما مخالف نیستیم که بخشی از نیروها در نبردهای جبههای بکار افتد ، این ضروری است . معذک نیروهای عمده را باید در جناحهای دشمن بکار انداخت ، به محاصره و

حرکت چرخشی دست زد ، مستقلاً و بابتکار خود بر دشمن حمله آورد ؛ فقط باین طریق میتوان نیروهای خویش را حفظ کرد و نیروهای دشمن را نابود ساخت . بعلاوه بخشی از نیروهای ما بمنظور عملیات در پشت جبهه دشمن بکار میافتد و اینگونه عملیات بویژه اثر دارد زیرا که خطوط ارتباطی دشمن و تکیه گاههای او را برهم میزند . اما حتی سپاهییانی که در نبردهای جبهه ای شرکت میجویند نیز نباید به دفاع محض پردازند . آنها باید بطور عمده شیوه "یورش متقابل" را بکار برند . یکی از علل مهم ناکامیهای نظامی ماههای اخیر عبارتست از توسل به شیوه های اشتباه آمیز در عملیات جنگی . ما شیوه های عملیات جنگی را که اینک ارتش هشتم بکار میبرد عملیات مستقل و مبتکرانه پارتیزانی و متحرک مینامیم . اینها از لحاظ اصول عمده خود همان شیوه هایی است که ما در موقع جنگ داخلی گذشته بکار میبردیم و در عین حال برخی تفاوتها نیز در اینجا وجود دارد . اگر وضعیت مرحله کنونی را در نظر بگیریم ، باید گفت استفاده از نیروهای متمرکز نسبتاً نادر است و عملیات غالباً با نیروهای پراکنده صورت میگیرد ؛ این بان منظور است که امکان داشته باشیم در سرزمینی وسیع بر جناحها و بر پشت جبهه دشمن ضربات ناگهانی وارد آوریم . در مورد مجموعه ارتش چین نظر باینکه تعدادش زیاد است باید بخشی از آن را بدفاع جبهه ای گماشت و بخشی دیگر را جهت پیشبرد جنگ پارتیزانی بخش کرد ؛ اما نیروهای عمده آن را معمولاً باید در جناح های دشمن بطور متمرکز بکار انداخت . نخستین آئین جنگ عبارتست از حفظ نیروهای خود و نابود ساختن نیروهای دشمن ؛ برای نیل باین هدف باید به عملیات مستقل و مبتکرانه پارتیزانی و متحرک دست زد و از شیوه های الگووار که جنبه انفعالی دارد اجتناب جست . اگر واحدهای زیادی به جنگ

متحرك پردازند و ارتش هشتم با عملیات پارتیزانی خود بآنها یاری برساند، پیگمان ضمانت پیروزی در دست ما خواهد بود .

حالا به مسئله کار سیاسی میپردازیم . ارتش هشتم خصوصیات بسیار مهم و نمایان دیگر نیز دارد که عبارت است از کار سیاسی او . کار سیاسی در ارتش هشتم بر سه اصل اساسی متکی است : ۱ - اصل وحدت افسران و سربازان . این اصل عبارتست از محو روشهای فئودالی در ارتش ، برانداختن تنبیه بدنی و دشنام ، برقراری انضباط آگاهانه و شرکت در غم و شادی یکدیگر - در نتیجه این تدبیر است که تمام ارتش بطور فشرده وحدت یافته است ؛ ۲ - اصل وحدت ارتش و خلق . این اصل عبارتست از رعایت چنان انضباطی که به کمترین زیان به منافع خلق امکان ندهد ، تبلیغ در میان توده ها ، متشکل ساختن و مسلح نمودن آنها ، سبک کردن بار اقتصادی آنها و سرکوب خائنان بملت و میهن‌فروشان که به ارتش و خلق زیان میرسانند - در نتیجه این تدبیر است که ارتش با خلق بطور فشرده متحد گردیده و در همه جا مورد استقبال خلق قرار گرفته است ؛ ۳ - اصل تلاشی قوای دشمن و رفتار بزرگوارانه نسبت به اسرای جنگی . پیروزی ما فقط بسته به عملیات نظامی ارتش ما نیست بلکه به تلاشی قوای دشمن نیز بستگی دارد . اگرچه عجزاً نتایج این شیوه - شیوه تلاشی قوای دشمن و رفتار بزرگوارانه نسبت به اسرای جنگی - هنوز بطور نمایان پیدا نیست ولی مسلماً در آینده ثمرات خود را بیار خواهد آورد . بعلاوه ، ارتش هشتم بر اساس اصل دوم ، صفوف خود را نه از راه سربازگیری اجباری بلکه از راه تبلیغ در میان خلق و دعوت وی به عزیمت به جبهه تکمیل میکند . این شیوه به مراتب از اجبار مؤثرتر است .

با آنکه هم اکنون استانهای حه به ، چاهار ، سوی یوان و بخشی از

استان شان سی از دست رفته است ، ولی بهیچوجه روحیه خود را نمیبازیم و از تمام ارتش خویش مصممانه دعوت میکنیم که با همکاری کلیه ارتش های دوست تا آخرین قطره خون بجنگد تا آنکه از استان شان سی دفاع کند و سرزمین های از دست رفته را باز گرداند . ارتش هشتم بمنظور ادامه جنگ مقاومت در شان سی بمعیت ارتش های دیگر چین عمل خواهد کرد ، و این امر در سیر جنگ بطور کلی و بویژه در عملیات جنگی در شمال چین اهمیت بزرگی خواهد داشت .

سؤال : آیا بعقیده شما این نقاط پسندیده ارتش هشتم برای ارتش های

دیگر چین نیز بکار بردنی است ؟

جواب : کاملاً بکار بردنی است . ارتش گومیندان در موقع خود از لحاظ روحیه بطور کلی همانطور بود که امروز ارتش هشتم هست ، این در سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ بود . در آن هنگام حزب کمونیست چین و گومیندان با مساعی مشترك خویش واحدهای مسلحی با سیستم جدید بوجود آوردند که با آنکه در آغاز فقط دو هنگ بودند ، توانستند واحدهای بسیار را برگرد خویش جمع آورند و به نخستین پیروزی بر چن چیون مین نائل آیند . سپس این واحدها به يك سپاه توسعه یافتند و واحدهای باز هم بیشتری تحت نفوذ آنها قرار گرفتند ، فقط آنگاه بود که لشکر کشی بشمال امکان پذیر گردید . در آن هنگام در ارتش محیط تازه ای بر قرار بود : میان افسران و سربازان ، میان ارتش و خلق علی الاصول وحدت بوجود آمده بود ، و این ارتش سرشار از روح قهرمانانه پیکارجو و انقلابی بود . سیستم نمایندگان حزبی و شعبه های سیاسی در ارتش ایجاد شد که در تاریخ چین سابقه نداشت . در اثر اجرای این سیستم بود که ارتش چهره کاملاً نوینی یافت ، ارتش سرخ که در سال ۱۹۲۷ تشکیل یافت و

همچنین ارتش هشتم کنونی این سیستم را بارث برده و بسط و توسعه داده‌اند. در دوره انقلاب سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ ارتشی بظهور رسید که سرشار از روحی نوین بود و شیوه‌های جنگی او طبیعتاً با چهره میاسیش میخواند ؛ عملیاتش عملیات الگوار که جنبه انفعالی دارد نبود بلکه مبتکرانه و پرنرمش و سرشار از روحی پیکارجو بود و در اثر آنها لشکر کشی بشمال به پیروزی انجامید . اینک در مصاف با تجاوزکاران ژاپنی چنین ارتشی لازم است . حتماً ضروری نیست چنین ارتشی از چند میلیون نفر تشکیل شود ؛ برای غلبه بر امپریالیسم ژاپن داشتن هسته محکمی از چندین صد هزار نفر جنگجو کافی است . ما نسبت به ارتش‌های کشور خویش که در جنگ با تجاوزکاران ژاپنی به فداکاری‌های قهرمانانه دست زدند احترامی عمیق داریم ، ولی در عین حال موظفیم که از این جنگ‌های خونین درس‌هایی هم بگیریم .

سؤال : با انضباطی که در ارتش ژاپن برقرار است آیا سیاست شما مبنی بر رفتار بزرگوارانه با اسرای جنگی مؤثر خواهد افتاد ؟ مثلاً فرماندهی ژاپن میتواند آن اسرای جنگی را که شما آزاد می‌کنید ، اعدام کند ، و ارتش ژاپن در مجموعه خود معنای سیاست شما را درک نخواهد کرد .

جواب : این ممکن نیست . هر چه بیشتر اعدام کنند همدردی سربازان ژاپنی با ارتش چین بیشتر خواهد شد . این وقایع را نمیتوان از توده سربازها پنهان نگهداشت . ما استوارانه بدنبال این سیاست خویش هستیم . مثلاً ارتش ژاپن هم اکنون آشکارا اعلام داشته است که گاز سمی بر علیه ارتش هشتم بکار خواهد برد ، ولی حتی در چنین موردی نیز ما سیاست خویش را مبنی بر رفتار بزرگوارانه با اسرای جنگی تغییر نخواهیم داد . ما مثل سابق با سربازان اسیر ژاپنی و با بعضی از افسران جزء که بزور



بعنکیدن وادار شده‌اند با بزرگواری رفتار خواهیم کرد ، بآنها توهین روا نخواهیم داشت و دشنام نخواهیم داد بلکه بر آنها روشن خواهیم ساخت که منافع خلق‌های دو کشور مشترک‌است و سپس آنها را پس خواهیم فرستاد . به هرکس که نخواهد بر گردد امکان خواهیم داد که در ارتش هشتم خدمت کند . و هرگاه در آینده "پریگاد بین‌المللی" در عرصه جنگ با تجاوزکاران ژاپنی پدید آید ، در آن صورت اسیران خواهند توانست بان پیوندند و اسلحه بدست بر علیه امپریالیسم ژاپن بجنگند .

### تسلیم‌طلبی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

سؤال : آنقدر که من اطلاع دارم ژاپنی‌ها در عین حال که جنگ را ادامه میدهند ، در شانگهای سر و صدای صلح بر پا کرده‌اند . بالاخره هدف ژاپن چیست ؟

جواب : امپریالیسم ژاپن که در اجرای اغراض خویش به نتایجی رسیده است ، از نو میکوشد از گفتگو درباره صلح پرده دودی بر پا کند که در پشت آن به سه مقصد نائل آید . سه مقصد مذکور اینها است :  
 ۱ - تحکیم مواضعی که هم اکنون اشغال کرده است تا آنها را بمنزله سنگر استراتژیک در مرحله دوم تعرض مورد استفاده قرار دهد ؛ ۲ - شکاف افکندن در جبهه ضد ژاپنی چین ؛ ۳ - از هم پاشاندن جبهه بین‌المللی کمک به چین . سر و صدائی که اینک در باره صلح شایع ساخته‌اند چیز دیگری جز آغاز ایجاد این پرده دود نیست . خطر در آن است که در چین هنوز عناصر مردودی هستند که برای افتادن در دام دشمن آماده‌اند ، خائنین به ملت و میهن‌فروشان در میان آنها مانور میکنند و به پخش

شایعات گوناگون میپردازند و میکوشند که چین را به تسلیم در برابر تجاوزکاران ژاپنی وادارند .

سؤال : بعقیده شما این وضعیت خطرناك بکجا ممکن است بینجامد ؟

جواب : فقط امکان دو سرانجام موجود است : یا آنکه خلق چین بر تسلیم طلبی فائق میآید و یا آنکه تسلیم طلبی چیره میشود و در صورت اخیر چین دچار اغتشاش خواهد گشت و در جبهه ضد ژاپنی شکاف خواهد افتاد .

سؤال : کدام يك از این دو سرانجام محتمل تر بنظر میرسد ؟

جواب : همه خلق چین خواستار آن است که جنگ مقاومت تا پایان ادامه یابد . حتی اگر بخشی از هیئت حاکمه چین هم عملاً براه تسلیم طلبی برود بخش دیگر آن که مصمم به جنگ است بیگمان بمخالفت با تسلیم طلبان بر خواهد خاست و در کنار خلق به جنگ ادامه خواهد داد . البته چنین تسلیم طلبی ای برای جبهه ضد ژاپنی چین حادثه ای ناگوار خواهد بود . ولی من مطمئن هستم که تسلیم طلبان نخواهند توانست پشتیبانی توده ها را جلب کنند ، توده ها بر تسلیم طلبی فائق خواهند شد ، جنگ را ادامه خواهند داد و به پیروزی خواهند رسانید .

سؤال : خواهشمندم بگوئید که چگونه میتوان بر تسلیم طلبی فائق آمد ؟

جواب : در اظهارات شفاهی و مطبوعاتی باید خطر تسلیم طلبی را نشان داد ، و در عمل باید توده های خلق را برای جلوگیری از فعالیت های تسلیم طلبانه متشکل ساخت . سرچشمه تسلیم طلبی در شکست طلبی ملی یعنی در بدینی ملی است . بدینان برآنند که پس از شکست هائی که در جنگ بر چین وارد آمد ، دیگر وی آن نیرو را ندارد که در برابر ژاپن به مقاومت پردازد . آنها درك نمیکنند که شکست درست مادر پیروزی است

و از تجربه شکست درس‌هایی گرفته میشود که پایه پیروزی آینده خواهد بود. بدینان فقط شکست‌های جبهه جنگ مقاومت را میبینند و کامیابیهای آن را نمیبینند و بطریق اولی نظر نمیکنند باین که در شکست‌های ما عناصر پیروزی و در پیروزی‌های دشمن عناصر شکست نهفته است. ما باید دورنمای پیروزی در جنگ را به توده‌های مردم عرضه داریم، بآنها بفهمانیم که شکست‌ها و دشواری‌ها خصلت گذرا دارد و اگر بدون تزلزل بمبارزه ادامه دهیم پیروزی قطعی با ما خواهد بود. تسلیم طلبان که در میان توده‌ها هیچ پایه‌ای ندارند باجرای دسائس خویش نائل نخواهند آمد، و جبهه ضد ژاپنی تحکیم خواهد شد.

### رژیم دموکراتیک و جنگ مقاومت ضد ژاپنی

سؤال: "دموکراسی" که در برنامه پیشنهادی حزب کمونیست آمده است بچه معناست؟ آیا "دموکراسی" با "دولت زمان جنگ" متضاد نیست؟

جواب: نخیر، بهیچوجه متضاد نیست. حزب کمونیست در همان اوت ۱۹۳۶ شعار "جمهوری دموکراتیک" را پیش آورد. مضمون سیاسی و سازمانی این شعار در سه حکم زیرین خلاصه میشود: ۱ - نه حکومت و دولت یک طبقه، بلکه حکومت و دولت ائتلاف همه طبقات که هوادار مقاومت ضد ژاپنی هستند غیر از خائنین بعلت و میهن‌فروشان؛ کارگران، دهقانان و سایر قشرهای خرده بورژوازی باید مسلماً در این ائتلاف وارد شوند. ۲ - شکل سازمانی این دولت باید سانترالیسم دموکراتیک باشد، این دولت باید دموکراتیک و در عین حال سانترالیستی باشد که دو اصل

ظاهراً متضاد بایکدیگر - دموکراسی و سانترالیسم - را بشکل معینی در خود جمع کند . ۳ - این دولت کلیه آزادیهای سیاسی ضروری و در درجه اول آزادی متشکل شدن ، تعلیم دیدن و برای دفاع از خود مسلح شدن را بخلق میدهد . چنانکه از این سه حکم دیده میشود " جمهوری دموکراتیک " با آنچه که " دولت زمان جنگ " نامیده میشود بهیچوجه متضاد نیست ، این آنچهان سیستم حکومتی و دولتی است که برای پیشبرد جنگ مقاومت ضد ژاپنی مناسب است .

سؤال : معذک آیا در همین کلمات " سانترالیسم دموکراتیک " تضاد درونی وجود ندارد ؟

جواب : نه فقط باید به کلمات توجه کرد بلکه باید به کنه مطلب پی برد . میان دموکراسی و سانترالیسم بهیچوجه مغاک عبورناپذیری وجود ندارد . هم این و هم آن برای چین لازم است . از یک سو دولتی که ما میخواهیم باید چنان دولتی باشد که واقعاً بتواند مبین اراده خلق گردد ؛ این دولت مسلماً باید از تأیید و پشتیبانی توده‌های وسیع خلق سراسر چین برخوردار باشد و خلق باید آزادی داشته باشد تا از وی پشتیبانی کند و همه گونه امکان داشته باشد تا در سیاست وی تأثیر کند . چنین است مفهوم دموکراسی . از سوی دیگر لازم است قدرت اداری متمرکز شود ؛ همینکه سیاستی که مطلوب خلق است از طرف ارگان‌هایی که مبین اراده خلق‌اند تصویب شد و اجرای آن به دولتی که منتخب خود خلق است واگذار گردید ، سیاست مذکور بیدرنگ بدست این دولت بموقع اجرا در میآید ، و اگر سیاست مذکور در موقع اجرا با سیاستی که بر طبق اراده خلق به تصویب رسید تناقض در نیاید ، مسلماً با موفقیت و بی مانع عملی خواهد شد . چنین است مفهوم سانترالیسم . فقط با سانترالیسم دموکراتیک است که دولت

میتواند واقعاً از نیروی بسیار عظیم برخوردار باشد ؛ دولت دفاع ملی در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی حتماً باید چنین سانترالیسم دموکراتیک را اختیار کند .

سؤال : اما این با رژیم کابینه‌های زمان جنگ نمیخواند ، آیا اینطور نیست ؟

جواب : نه ، این با رژیم برخی از کابینه‌های زمان جنگ در تاریخ نمیخواند .

سؤال : آیا مواردی هست که بخواند ؟

جواب : بله ، مواردی هست . رژیم‌های سیاسی زمان جنگ را بطور کلی میتوان بدو نوع تقسیم کرد : رژیم‌های سانترالیسم دموکراتیک و رژیم‌های سانترالیسم مطلق ، و نوع هر يك از آنها از روی خصالت جنگ معین میشود . همه جنگ‌های تاریخ را برحسب خصالت آنها میتوان به دو نوع تقسیم کرد : جنگ‌های عادلانه و جنگ‌های غیرعادلانه . مثلاً جنگی که در بیست و چند سال پیش در اروپا روی داد از لحاظ خصالت خود جنگ غیرعادلانه ، جنگ امپریالیستی بود . در آن موقع دول همه کشورهای امپریالیستی ، خلق‌ها را مجبور میکردند که برله منافع امپریالیسم و بر علیه منافع خلق‌ها بجنگند ؛ در چنین شرایطی به وجود دولتهائی از نوع کابینه لوید جرج در انگلستان نیاز بود . لوید جرج خلق انگلستان را در زیر فشار نگهداشت ، اجازه نمیداد که بر علیه جنگ امپریالیستی سخن بگوید ، نمیگذاشت که هیچ گونه سازمانی وجود داشته باشد و هیچگونه اجتماعی دعوت شود که بخواهد اراده خلق را در مخالفت با جنگ متظاهر گرداند ؛ پارلمان اگرچه باز هم وجود داشت ولی چنان پارلمانی بود که بودجه‌های جنگی را بنا بر دستور از بالا تصویب میکرد و خود او ارگان دارودسته

امپریالیستها بود . در این جنگ ، دولت و خلق باهم وحدت نداشتند و بالنتیجه دولت مرکزیت مطلق بوجود آمد که فقط مرکزیت لازم داشت و بیگانه از دموکراسی بود . ولی جنگ‌های انقلابی هم در تاریخ وجود داشته است ، مثلاً جنگ‌های انقلابی در فرانسه ، در روسیه و اینک در اسپانیا . در این نوع جنگ‌ها دولت از اینکه مبادا مردم از جنگ پشتیبانی نکنند نمیترسد ، زیرا که خود مردم بسیار مشتاق چنین جنگ‌اند ؛ دولت بر پشتیبانی داوطلبانه مردم تکیه دارد و از اینجهت نه فقط نباید از مردم بترسد بلکه برعکس باید مردم را برانگیزد و آنها را به بیان نظریات خودشان ترغیب کند تا فعالانه در جنگ شرکت جویند . جنگ آزادیبخش ملی چین از تأیید کامل خلق برخوردار است و بدون شرکت خلق در جنگ نمیتوان پیروز شد ، از این جهت سائترالیسم دموکراتیک بصورت ضرورت در میآید . در چین پیروزی‌های لشگرکشی بشمال در ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ نیز در سایه اجرای سائترالیسم دموکراتیک حاصل شد . از اینجا آشکار میگردد که اگر هدف‌های جنگ مستقیماً مبین منافع خلق است هر چه دولت دموکراتیک‌تر باشد از پیش بردن جنگ آسان‌تر خواهد بود . چنین دولتی از اینکه مردم با جنگ مخالفت کنند ، نباید بترسد . برعکس آنچه باید او را نگران سازد فقط رخوت مردم در جنگ و بی‌قیدی نسبت بآن است . خصلت جنگ است که مناسبات متقابل دولت و خلق را معین میکند - اینست قانون تاریخ .

سؤال : در چنین صورتی شما از چه راه می‌خواهید رژیم سیاسی نوین برقرار کنید ؟

جواب : کلید آن در همکاری گومیندان و حزب کمونیست است .

سؤال : چرا ؟

جواب : عامل قاطع در اوضاع سیاسی چین در طی پانزده سال اخیر

عبارت بوده است از مناسبات متقابل گومیندان و حزب کمونیست . همکاری این دو حزب در سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ موجب پیروزی‌های انقلاب اول شد . جدائی این دو حزب در ۱۹۲۷ به وضع فلاکت‌باری منجر گردید که در طی ده سال اخیر ادامه داشته است . ولی مسئولیت این جدائی بر عهده ما نیست ؛ ما مجبور بودیم در برابر ستم گومیندان بمقاومت بایستیم ، و درفش پرافتخار آزادی چین را در دست خود نگهداشتیم . اینک مرحله سوم فرا رسیده است ، و برای مقاومت علیه ژاپن و بغاطر نجات میهن باید هر دو حزب بر پایه برنامه معینی به همکاری کامل پردازند . میتوان گفت که این همکاری در اثر مساعی خستگی‌ناپذیر ما هم اکنون بر قرار شده و اینک مطلب فقط بر سر آن است که طرفین برنامه مشترکی بپذیرند و بر اساس آن به عمل بیاغازند . بخش مهم این برنامه عبارتست از استقرار رژیم سیاسی نوین .

سؤال : چگونه میتوان از راه همکاری دو حزب به استقرار رژیم سیاسی جدید رسید ؟

جواب : ما اینک برای نوسازی دستگاه دولتی و تغییر میستم ارتش پیشنهادی میدهیم . برای اینکه بتوان از عهده وضع فوق‌العاده کنونی برآمد ما پیشنهاد میکنیم که مجلس ملی موقت دعوت شود . نمایندگان این مجلس علی‌الاصول باید بر طبق نظریات مطروحه دکتر سون یاتسن در ۱۹۲۴ و بتناسب معینی از کلیه احزاب و گروه‌ها ، ارتش‌ها ، سازمان‌های توده‌ای و سازمان‌های محافل صنعتی و تجارتی که هوادار جنگ مقاومت ضد ژاپنی‌اند انتخاب شوند . این مجلس باید بعنوان عالی‌ترین ارگان قدرت در کشور انجام وظیفه دهد ، سیاست نجات کشور را معین سازد ، اصول قانون اساسی را وضع و دولت را انتخاب کند . ما بر آنیم که اکنون در

جریان جنگ مقاومت آن نقطه عطف حساس فرا رسیده است که فقط دعوت فوری چنین مجلس ملی که دارای قدرت کامل باشد ، و بتواند اراده خلق را بیان کند میتواند چهره سیاسی کشور را یکباره دگرگون گرداند و بر بحران فعلی غلبه کند . ما اینک در مورد این پیشنهاد با گومیندان مشغول تبادل نظیریم و امیدواریم که موافقت او را بدست آوریم .

سوال : مگر دولت ملی الغاء دعوت مجلس ملی را اعلام نداشته است ؟  
 جواب : الغاء مذکور اقدام صحیحی است . دعوت آن مجلس ملی که از طرف گومیندان تدارك شده بود لغو شده است ، مجلس مذکور همچنان که گومیندان مقرر داشته بود از هیچ قدرتی نمیتوانست برخوردار باشد و انتخاباتش بکلی مغایر اراده خلق بود . نه ما و نه محافل اجتماعی با دعوت چنین مجلسی موافقت نداشتیم . آن مجلس ملی موقت که ما پیشنهاد میکنیم با چنین مجلسی که دعوتش اینک ملغی شده است از ریشه تفاوت دارد .  
 آنگاه که مجلس ملی موقت بکار آغاز کند سیمای سراسر کشور دگرگونی خواهد یافت و کلیه مقدمات لازم برای نوسازی دستگاه دولت ، نوسازی ارتش و بسیج خلق فراهم خواهد آمد . در واقع فرا رسیدن نقطه عطف در جنگ مقاومت وابسته باین امر است .

### یادداشتها

۱ - در ۲۵ سپتامبر ۱۹۳۷ لشکر ۱۱۵ ارتش هشتم که تحت رهبری حزب کمونیست چین قرار داشت ، در زیر فرماندهی شخص رفیق لین بیائو در منطقه پین سین گوان واقع در استان شان سی به اولین نبرد نابودکننده در جنگ مقاومت سراسر کشور پرداخت و بیش از ۴۰۰۰ تن از لشکر ایدازاتی را که از واحدهای زبده ارتش



ژاپن بود ، نابود ساخت . این پیروزی داخل و خارج کشور را تکان داد و به ایمان ارتش و خلق سراسر کشور جهت نیل به پیروزی حتمی در جنگ مقاومت بسیار الهام بخشید و همچنین يك ورق درخشانی در تاریخ جنگ مقاومت ضد ژاپنی خلق چین بود .

- مترجم

www.KetabFarsi.com

# اوضاع و وظایف جنگ مقاومت ضد ژاپنی پس از سقوط شانگهای و تای یوان

( ۱۲ نوامبر ۱۹۳۷ )

## ۱ - اوضاع کنونی - گذار از جنگ مقاومت قسمی به جنگ مقاومت همگانی

۱ - ما از هر جنگ مقاومت بر ضد تهاجم امپریالیسم ژاپن پشتیبانی میکنیم ، اگر چه جنگ مذکور قسمی باشد . زیرا که مقاومت قسمی نسبت به عدم مقاومت يك قدم بجلو است ، زیرا که مقاومت قسمی تا اندازه‌ای خصیلت انقلابی دارد ، زیرا که این مقاومت نیز جنگی است برای دفاع از میهن .

۲ - معذک همانطور که قبلاً خاطر نشان ساخته‌ایم ( در جلسه

---

متن حاضر ترهای گزارش رفیق مائو سه دون به جلسه فعالین حزب منعقدہ نوامبر ۱۹۳۷ در پین ان میباشد . اپورتونیستهای راست درون حزب بیدرنگ بمخالفت با این ما برخاستند و فقط در اکتبر ۱۹۳۸ ، در ششمین پلنوم ششمین دوره کمیته مرکزی حزب بود که علی‌الاصول بر این گرایش راست غلبه شد .

فعالین حزب درین ان در آوریل امسال و سپس در کنفرانس کشوری حزب در ماه مه و در قطعنامه مصوب بوروی سیاسی کمیته مرکزی در ماه اوت (۱) : جنگ مقاومت قسمی که صرفاً بوسیله دولت انجام میگیرد و توده‌های مردم در آن شرکت ندارند ، قطعاً به شکست میانجامد . زیرا که جنگ مذکور جنگ انقلابی ملی بمعنای کامل آن بشمار نمیرود ، زیرا که جنگ مذکور جنگ توده‌ها نیست .

۳ - ما هوادار جنگ انقلابی ملی بمعنای کامل آن هستیم ، جنگی که در آن قاطبه خلق بسیج شده باشد ، یا عبارت دیگر ما طرفدار مقاومت همگانی هستیم . زیرا که فقط چنین مقاومتی جنگ توده‌ها خواهد بود . تامین دفاع از میهن را ممکن خواهد ساخت .

۴ - اگر چه جنگ مقاومت قسمی که گومیندان هوادار آن است نیز جنگ ملی است و تا اندازه‌ای خصلت انقلابی دارد ، ولی این خصلت سر سخت ناقص است . مقاومت قسمی ناگزیر جنگ را به شکست خواهد کشانید و هرگز به تامین دفاع از میهن قادر نخواهد بود .

۵ - اینجا است اختلاف اصولی موضع حزب کمونیست با موضع کنونی گومیندان در مورد جنگ مقاومت . اگر کمونیستها این اختلاف اصولی را فراموش کنند ، به رهبری صحیح جنگ مقاومت ضد ژاپنی قادر نخواهند بود ، در غلبه بر یکجانبه‌گری گومیندان عاجز خواهند ماند ، خود را به موضع غیراصولی و حزب کمونیست را بسطح گومیندان تنزل خواهند داد . و آنگاه آنها نسبت به جنگ مقدس انقلابی ملی و وظایف دفاع از میهن جنایتی مرتکب خواهند شد .

۶ - در جنگ انقلابی ملی بمعنای کامل آن یا جنگ مقاومت همگانی باید برنامه ده ماده‌ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن

که حزب کمونیست مطرح کرده است ، عملی ساخت و همچنین باید دولت و ارتشی را که بی کم و کاست این برنامه را بمرحله اجرا میگذارند ، بوجود آورد .

۷ - پس از سقوط شانگهای و تای یوان ، اوضاع از این قرار است :

الف - در شمال چین ، جنگ منظم که نقش عمده را در آن گومیندان برعهده داشت ، پایان یافته و جنگ پارتیزانی که نقش عمده را در آن حزب کمونیست برعهده دارد ، در مقام اول قرار گرفته است . در جیان سو و جه جیان خط جبهه گومیندان شکست برداشته است و تجاوزکاران ژاپنی تعرض خود را بسوی نانکن و حوضه رودخانه یان تسه ادامه میدهند . دیگر روشن است که مقاومت قسمی گومیندان نمیتواند دوام یابد .

ب - دولت‌های انگلستان ، آمریکا و فرانسه بملاحظه منافع امپریالیستی خودشان اظهار داشتند که به چین کمک خواهند نمود ، ولی تا امروز فقط به همدردی زبانی اکتفا کرده‌اند بدون آنکه بکمک عملی دست زنند .

ج - فاشیستهای آلمان و ایتالیا تمام نیروی خود را در پشتیبانی از امپریالیسم ژاپن بکار میبرند .

د - گومیندان همچنان حاضر نیست در دیکتاتوری حزب واحد و در سیاست استبدادی خود نسبت به توده‌های مردم که بوسیله این دو افزار جنگ مقاومت قسمی خویش را دنبال مینماید ، تغییر اساسی وارد کند .

اینست یکی از جنبه‌های قضیه .

جنبه دیگر آن چنین است :

- الف - نفوذ سیاسی حزب کمونیست و ارتش هشتم با وسعت و سرعت بسیار گسترش می‌یابد و در سراسر کشور به آنها بمشابه "منجی ملت" درود می‌فرستند. حزب کمونیست و ارتش هشتم عزم جزم دارند که جنگ پارتیزانی را در شمال چین سرسختانه ادامه دهند بطوریکه از سراسر کشور دفاع کنند و تجاوزکاران ژاپنی را می‌خکوب کرده و از تعرض آنها بسوی دشتهای مرکزی و شمال غربی جلوگیری کنند.
- ب - جنبش توده‌ای یک قدم بجلو رشد و تکامل یافته است.
- ج - بورژوازی ملی به چپ می‌گراید.
- د - نیروهای هوادار تغییر وضع موجود در درون گومیندان افزایش می‌یابد.
- ه - نهضت خلقهای جهان بر ضد ژاپن و بخاطر یاری به چین دامن می‌گسترد.
- و - اتحاد شوروی در صدد است که به چین کمک عملی برساند. چنین است جنبه دیگر قضیه.
- ۸ - بنابر این اکنون ما در مرحله گذار از جنگ مقاومت قسمی به جنگ مقاومت همگانی بسر می‌بریم. جنگ مقاومت قسمی دیگر نمیتواند ادامه یابد، در حالیکه جنگ مقاومت همگانی هنوز آغاز نشده است. این مرحله گذار، این مرحله بینابینی بسیار بحرانی است.
- ۹ - جنگ مقاومت قسمی چین در این مرحله میتواند در یکی از سه جهت سیر کند:
- جهت نخست، خاتمه دادن به مقاومت قسمی و جایگزین ساختن آن به مقاومت همگانی. و این همان است که اکثریت خلق کشور می‌طلبد، ولی گومیندان هنوز عازم آن نیست.

جهت دوم ، خاتمه دادن به مقاومت و جایگزین ساختن آن با تسلیم طلبی .  
و این همان است که تجاوزکاران ژاپنی ، خائنین بعثت و عناصر هوادار  
ژاپن میطلبند ، ولی با مخالفت اکثریت خلق چین مواجه میشود .

جهت سوم ، همزیستی مقاومت و تسلیم طلبی در چین . و این مورد  
آنگاه پیش می آید که تجاوزکاران ژاپنی ، خائنین بعثت و عناصر هوادار ژاپن  
نتوانند به مقصد خود - جهت دوم نایل آیند و از اینرو توطئه ها و دسائس  
خویش را مبنی بر منسحب ساختن جبهه ضد ژاپنی چین بکار برند . آنان هم  
اکنون باین کار مشغول اند . و این خطر جداً در پیش است .

۱۰ - اگر از روی اوضاع کنونی قضاوت کنیم ، عوامل داخلی  
و بین المللی که مانع چیره شدن تسلیم طلبی است ، تفوق دارد . این عوامل  
عبارتند از : پافشاری ژاپن در سیاست خود مبنی بر انقیاد چین که چاره  
دیگری برای چین جز توسل بچنگ باقی نمیگذارد ، وجود حزب کمونیست  
و ارتش هشتم ، اراده خلق چین ، اراده اکثریت اعضاء گومیندان ، واهمه  
انگلستان ، آمریکا و فرانسه از اینکه تسلیم طلبی گومیندان بمنافع آنها لطمه  
وارد آورد ، وجود اتحاد شوروی و سیاست او مبنی بر کمک به چین ، امیدهای  
عمیق خلق چین به اتحاد شوروی ( این امیدها بی سبب نخواهد بود ) و غیره .  
اگر ما از این عوامل بنحو احسن و هم آهنگ استفاده کنیم ، نه فقط بر  
عوامل تسلیم طلبی و انشعاب گری ، بلکه بر موانع گذار از مقاومت قسمی  
به مقاومت همگانی غلبه خواهیم کرد .

۱۱ - پس دورنمای گذار از جنگ مقاومت قسمی بچنگ مقاومت  
همگانی وجود دارد . مبارزه در راه این دورنما وظیفه مبرم و مشترك کلیه  
اعضاء حزب کمونیست چین ، کلیه عناصر مترقی گومیندان و همه خلق  
چین است .